

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

با هم در راه پایان دادن به ظلم، استبداد و بی‌عدالتی، تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان، و استقرار حکومتی ملی و مردمی!

کارگران و زحمتکشان مبارز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر را به شما شادباش می‌گوید. روز اول ماه مه روز یادآوری راه دراز طبقه کارگر در بیش از یک سده گذشته و گرامیداشت خاطره همه قهرمانان گمنام و بانامی است که در این مبارزه سرنوشت‌ساز زندگی و جان خود را فدا کردند. روز اول ماه مه یادآور این واقعیت مهم است که نظام سرمایه‌داری جهانی، که عامل اساسی بی‌عدالتی و پایمال شدن حقوق کارگران و زحمتکشان جهان است، همچنان پابرجاست و به‌رغم همه پیروزی‌های چشمگیر مبارزات کارگری در گوشه و کنار جهان، طبقه کارگران و زحمتکشان هنوز در زنجیرهای اسارت سرمایه جهانی است. برگزیدن روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر به مناسبت بزرگداشت خاطره مبارزه قهرمانانه کارگران شیکاگو است که روز چهارم ماه مه ۱۸۸۶، در چهارمین روز اعتصابشان، پلیس به روی آنان آتش گشود. سه سال پس از آن نبرد قهرمانانه کارگران شیکاگو، شرکت‌کنندگان در کنگره انترناسیونال دوم، روز اول ماه مه را به پاس خاطره ماندگار کارگران جان‌باخته در نبرد شیکاگو، روز جهانی کارگر اعلام کردند.



کارگران جهان امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند که تهاجم همه‌جانبه سرمایه‌انحصاری برضد منافع کارگران و زحمتکشان در ابعاد گسترده ادامه دارد. رشد نیروهای دست‌راستی تندرو-فاشیستی در قاره‌های اروپا و آمریکا و کشورهای در حال توسعه که هدفشان بازتوسعه تاریخی و بازپس‌گیری و نابودی حقوق به دست آمده جنبش کارگری در صد سال گذشته است، نگرانی‌های زیادی را برای همه نیروهای مترقی و انسان‌دوست برانگیخته است. پیروی از سیاست‌های نوافشیستی دولت ترامپ در آمریکا زیر شعار "آمریکا اول" که معنایش بازتعریف روابط جهانی، زیر پا گذاشتن روابط بین‌المللی از جمله موازین و قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد، و اعمال سیاست‌های خشن و تهاجمی در راه پیشبرد هدف‌های امپریالیسم آمریکا و متحدانشان از جمله در خاورمیانه و آمریکای لاتین و آسیا است، در مجموع شرایط بسیار نگران‌کننده‌ای را در جهان پدید آورده است. نماد دیگر این تهاجم سرمایه‌داری انحصاری تشدید سیاست‌های ویرانگر و فاجعه‌بار نولیبرالی، و یورش حکومت‌های سرمایه‌داری به دستاوردهای طبقه کارگر است. بیکاری، فقر و محرومیت فزاینده، نابودی بیش از پیش محیط زیست، و تقسیم شدن بیش از پیش جهان به گروه بسیار اندکی از دارندگان ثروت‌های کلان و اکثریت عظیمی از محرومان، از جمله ویژگی‌های سرمایه‌داری "با چهره انسانی" در آغاز دهه سوم قرن بیست و یکم است.

بر اساس گزارش "سازمان جهانی کار" (آی.ال.او) که با عنوان "بازار کار جهانی و چشم‌انداز اجتماعی" در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸) در ژنو منتشر شد، میزان بیکاری در جهان بالغ بر ۱۹۳ میلیون نفر است. این گزارش برای نخستین بار آماری درباره "پراکنده‌کاری" یا کارهای ناپایدار ارائه داد که بر اساس آن ۴٫۱ میلیارد نفر از جمعیت جهان در این طبقه‌بندی قرار دارند. بر اساس همین گزارش، بخش عمده‌ای از کارگران کشورهای در حال توسعه مثل ایران، یعنی در مجموع نزدیک به ۱٫۸ میلیارد کارگر و زحمتکش، در این گروه قرار می‌گیرند. طبق آماری که گروه "اکسفم" به همایش جهانی اقتصادی "در داووس" سوئیس ارائه داد، ثروت و دارایی فقط ۲۶ نفر از ثروتمندترین میلیاردهای جهان برابر با دارایی ۳٫۶ میلیارد نفر از فقیرترین مردم جهان است.

این وضعیت اسفناک، غیر انسانی، و غیرقابل دوام نتیجه سیاست‌های نولیبرالی سرمایه‌داری جهانی است که از آن جمله‌اند خصوصی‌سازی گسترده، به‌اصطلاح "تعدیل" نیروهای کار، اعمال ریاضت اقتصادی بر زحمتکشان، و تزیق هزاران میلیارد دلار از دارایی‌های ملی کشورها به نظام بانکی و انحصارهای بزرگ تولیدی-مالی-تجاری. در مقابل این تهاجم گسترده، طبقه کارگر و محرومان جامعه بیش از پیش به این گفته تاریخی کارل مارکس نزدیک و آگاه می‌شوند که کارگران و محرومان جهان جز زنجیرهایشان چیزی برای از دست دادن ندارند. از این روست که ما در چند سال اخیر شاهد گسترش مبارزه طبقه کارگر برای حفظ دستاوردهای تاریخی‌اش هستیم. اعتراض بیش از ۲۲ هفته‌ای "جلیقه زردها" در فرانسه بر ضد سیاست‌های نولیبرالی دولت ماکرون، مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان از جمله در آلمان، اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، یونان، برزیل، آرژانتین، شیلی، هند، و در ماه‌های اخیر در خاورمیانه، به‌ویژه در سودان که به سرنگونی حکومت فاسد و دیکتاتوری ضد کارگری عمر البشیر منجر شد، همگی حاکی از تلاش پیگیر طبقه کارگر و زحمتکشان دنیا برای کسب حقوق خود و حفظ دستاوردهایی است که در راه کسب آنها فداکاری‌هایی عظیم صورت گرفته است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

سال ۱۳۹۷ سال پُر حادثه و مهمی در مبارزات طبقه کارگر و مردم ایران بر ضد حکومت سرمایه‌داری و ارتجاعی حاکم بر مین ما بوده است. سال ۹۷ مصادف بود با چهلین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ که پیروزی آن مدیون مبارزه میلیون‌ها تن از مردم محروم و جان به لب رسیده از فساد و ظلم دستگاه سلطنت پهلوی، و پیکار تعیین‌کننده طبقه کارگر ایران در فلج کردن صنایع نفت کشور بود. چهل سال پس از پیروزی انقلاب بهمن، و به‌رغم همه قول‌های دروغین خمینی و همراهان او در زمینه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان، ما امروز با جامعه‌ای فقیر و محروم روبرویم که در آن ده‌ها میلیون نفر، از جمله بخش چشمگیری از طبقه کارگر و دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور، در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. چهل سال پس از پیروزی انقلاب بهمن، به‌جای فرارسیدن بهار آزادی و تحقق عدالت، ایران اسیر حکومتی است به‌غایت ارتجاعی و استبدادی، و در کشور ما نه‌فقط آزادی و عدالت تحقق نیافته است، بلکه کشور به ورطه بی‌عدالتی، ناهنجاری‌های اجتماعی، و ظلم و سرکوب بی‌سابقه افتاده است و ایران به زندانی بزرگ برای اکثریت شهروندان تبدیل شده است. برخلاف همه دروغ‌های سران رژیم، از جمله ولی فقیه علی خامنه‌ای، درباره دستاوردهای حکومت اسلامی در چهار دهه گذشته، امروزه جمهوری اسلامی ایران نمونه روشن ورشکستگی نظری "اسلام سیاسی" و بی‌اعتباری اخلاقی جماعتی است که مدعی برپایی "نظام نمونه" جهان بودند و هستند.

سیاست‌های فاجعه‌بار و ضدملی و ماجراجویانه حاکمیت ولایتی در دهه گذشته، نه‌فقط ایران را در عرصه جهانی و منطقه‌ای با دشواری‌هایی جدی روبرو کرده است بلکه در عرصه داخلی نیز کشور را در رکود اقتصادی بی‌سابقه و بحران سیاسی و اجتماعی عمیقی فرو برده است. در پیش گرفتن سیاست‌های نولیبرالی مثل خصوصی‌سازی و واقع‌گرا کردن واحدهای تولیدی کشور و واگذاری آنها به کلان‌سرمایه‌داری و مافیای اقتصادی سپاه پاسداران، تعدیل نیروی انسانی کار، رواج دادن بی‌سابقه قراردادهای سفیدامضا، جلوگیری از ایجاد سندیکاها و دیگر تشکلهای مستقل کارگری، و تبدیل کردن بیش از پیش اقتصاد کشور به اقتصادی بیمار و تک‌محصولی و به‌شدت نیازمند به کالاهای وارداتی، ایران را در بحرانی بی‌سابقه فرو برده است. حتی بر اساس آمار سؤال‌برانگیز خود نهادهای حکومتی، امروزه میلیون‌ها ایرانی در صف

بیکاران قرار دارند. این آمار در مورد جوانان کشور بسیار نگران‌کننده‌تر است. نتایج "طرح آمارگیری نیروی کار" که در پاییز ۱۳۹۷ منتشر شد، نرخ بیکاری را ۱۱/۷ درصد از جمعیت فعال کشور نشان می‌دهد. بر این اساس، جمعیت بیکاران کشور به ۳ میلیون و ۱۷۴ هزار نفر رسیده است. بر اساس همین نتایج، آمار بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله حاکی از آن است که ۲۴/۵ درصد از فعالان این گروه سنی در پاییز ۱۳۹۷ بیکار بوده‌اند. بر این آمار باید رشد بی‌سابقه ناهنجاری‌های اجتماعی مثل کار کودکان و وجود نزدیک به ۳ میلیون نفر معنادار نیز افزود تا روشن شود که حاکمان کنونی بر سر میهن ما چه آورده‌اند.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

شما زنان و مردان زحمتکش ایران بیش از هر بخش دیگری از جامعه این فشارهای طاقت‌فرسا را بر دوش خود احساس می‌کنید. نبود نظام سراسری و عادلانه تأمین اجتماعی که در صورت نیاز بتوان به آن مراجعه کرد، کاهش جدی و واقعی دستمزد کارگران در سال‌های اخیر، تبعیض و نابرابری حقوق زنان و مردان مزدبگیر و اعمال انواع تزییقات بر ضد زنان کارگر، حذف بخش‌هایی از قانون کار که حافظ حقوق کارگران بود و نبود قانون کاری امروزی و فراگیر و دموکراتیک که از حقوق شما دفاع کند، نبود کمترین ضابطه و قانونی برای ملزم کردن کارفرمایان به رعایت اصول ایمنی در کارگاه‌ها و مراکز تولیدی، و به کار گرفتن کودکان با دستمزدهای بسیار ناچیز، فقط فهرست مختصری از دردنامه کارگران و زحمتکشان در حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" است. همچنین، شما کارگران و زحمتکشان به تجربه دریافته‌اید که قول و قرارهای سران رژیم و دولت "تدبیر و امید" حسن روحانی پیش‌بازی ارزش ندارد. از این رو، سال ۹۷ سال گسترش بی‌سابقه و فراگیر اعتراض‌های کارگری در سراسر کشور بود.

اعتصاب‌ها و اعتراض‌های گسترده و طولانی کارگران فولاد اهواز و مجتمع نیشکر هفت‌تپه علیه خصوصی‌سازی و دریافت نکردن ماه‌ها دستمزد، ضمن ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران در دیگر بخش‌ها و واحدهای تولیدی و روشن‌تر کردن پیامدهای ویرانگر خصوصی‌سازی، ابعاد سیاسی-صنعتی فزاینده‌ای به مبارزات کارگری سال گذشته بر ضد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم ولایت فقیه داد. اعتصاب سی و هشت روزه کارگران فولاد اهواز که سرانجام با برخی عقب‌نشینی‌های حاکمیت و در عین حال سرکوب خشن فعالان کارگری این واحد تولیدی به پایان رسید، نشانگر اوج‌گیری بحران کارگری در رژیم ولایت فقیه و در عین حال ارتقای کیفی حرکت‌های اعتراضی کارگران بر ضد رژیم ولایت فقیه بود.

همچنین، شاهد حرکت‌های کارگری در واحدهای تولیدی خصوصی‌سازی شده دیگری مانند گروه ملی فولاد ایران، کارخانه سدید، ماشین‌سازی تبریز، هپکو، رینگ‌سازی مشهد، شرکت ریخته‌گری ایران، شرکت قطعه‌سازی آرمکو، کارخانه روغن نباتی جهان، و ده‌ها واحد دیگر بودیم که کارگران به اخراج و پرداخت نشدن ماه‌ها دستمزد و حق بیمه‌شان توسط کارفرمایان اعتراض کردند. مجتمع بزرگ ماشین‌سازی تبریز در ۲۶ اردیبهشت سال ۹۷ به بخش خصوصی واگذار شد. بعد از گذشت فقط ۶ ماه از زمان واگذاری این واحد عظیم تولیدی به بخش خصوصی، روز ۲۵ آذر خبرگزاری ایلنا از رسانه‌ی شدن "برخی تخلفات سهام‌دار اصلی" کارخانه در "مراجع قضایی" گزارش داد. روز ۱۰ آذر، رضا شیران خراسانی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، به ایلنا گفت: "اکثر واحدهایی که کارگران معترض در آنها فعالیت دارند به بخش خصوصی واگذار شده‌اند... و بعد از خصوصی‌سازی مالکان کارخانه‌ها ماشین‌ها و ابزارآلات مفید کارخانجات را به فروش رسانده‌اند."

نشست کمیته مرکزی حزب توده ایران در بهمن ۹۶، ضمن توجه به اعتراض‌های اوج‌یافته کارگری بر این نکته تأکید کرد که مشکل اساسی در اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری - همچنان که در حرکت‌های مشابه در سال‌های اخیر مشهود بود - پراکندگی، ضعف سازمان‌دهی، و نداشتن هماهنگی لازم به دلیل سرکوب و پیگرد فعالان کارگری توسط نیروهای امنیتی حکومت ولایتی است. نبود تشکل‌های مستقل کارگری و زیر پا گذاشتن مقاله‌نامه‌های پایه‌ی سازمان جهانی کار از سوی کارفرمایان و خود دولت - از جمله زیر پا گذاشتن مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ که اجرای آنها برای همه کشورهای عضو سازمان جهانی کار الزامی است - معضله‌هایی جدی بوده‌اند که فعالان جنبش کارگری برای مقابله با آنها تلاش کرده‌اند. در این زمینه باید همه توان و امکانات ممکن را برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری به کار گرفت.

وظیفه کنونی همه نیروهای مردمی و آزادی‌خواه دفاع از مبارزات مردم و خواست‌های ملموس و بی‌درنگ نیروهای اجتماعی زحمتکش در عرصه‌های گوناگون است. برای نمونه، لغو قراردادهای موقت، توقف خصوصی‌سازی، ایجاد و احیا و گسترش سندیکاهای مستقل کارگری، تنظیم عادلانه دستمزدها متناسب با رشد تورم، و ضرورت اتخاذ تدابیر ایمنی و بهداشت کار برای پیشگیری از حوادث و سوانح کاری، از جمله خواست‌های بی‌درنگ و کنونی کارگران و زحمتکشان میهن ماست. با انسجام بخشیدن به جنبش کارگری - سندیکایی و برخوردار شدن زحمتکشان از حق برپایی سندیکاهای مستقل خویش، نقش جنبش کارگری در صحنه سیاسی کشور و میزان تأثیرگذاری آن بر تحولات جاری و مبارزه در راه تأمین آزادی‌های دموکراتیک، برقراری عدالت اجتماعی، و حفظ استقلال ملی افزایش خواهد یافت. سازمان‌دهی جنبش کارگری و سندیکایی کشور و تقویت آن به معنای تقویت جنبش سراسری ضد دیکتاتوری ولایتی است.

کارگران و زحمتکشان مبارز ایران!

سال ۱۳۹۸ با فاجعه سیلاب‌های دهشتناکی آغاز شد که به مرگ ده‌ها تن از هم‌وطنان و ویرانی بسیاری از روستاها و شهرستان‌ها و وارد آمدن ده‌ها میلیارد تومان خسارت اقتصادی از جمله به محصولات کشاورزی و دامی کشور منجر شد. فاجعه سیل در چند استان کشور بار دیگر پرده از ماهیت ضد مردمی رژیم حاکم و بی‌اعتنایی آن به سرنوشت دردناک مردم آسیب‌دیده برداشت. سیاست‌های ویرانگر و فاجعه‌بار زیست‌محیطی، از جمله تخریب جنگل‌ها، جاده سازی‌های ریلی و زمینی بدون انجام بررسی کارشناسانه و داشتن برنامه صحیح علمی - فنی، از بین بردن حصارهای طبیعی دور شهرها، سدسازی‌های زیر استانداردهای جهانی، و جز اینها، در مجموع بسیاری از شهرها و شهرستان‌ها و روستاهای کشور را در مقابل خطر سیل بسیار آسیب‌پذیر کرده است. نبود مدیریت بحران و برنامه‌ریزی صحیح مرکزی و منطقه‌یی برای کمک به سیل‌زدگان، از جمله نشانه‌های روشن بی‌کفایتی حکومت فاسد و ضد مردمی ولایتی و کارگزاران آن است. حسن روحانی، رئیس‌جمهور بی‌کفایت و کارگزار رژیم ولایتی، بعد از گذشت ۱۹ روز از جاری شدن سیلاب در ایران برای بازدید از مناطق سیل‌زده به لرستان سفر کرد و در خرم‌آباد گفت که سیل اگرچه برای استان‌ها "زحمت" بوده، ولی برای کشور "تعمت" بوده است.

جالب است که در مقابل خشم فزاینده هم‌میهنان در مناطق سیل‌زده، از جمله در خوزستان، حکومت اسلامی مرزهای ایران را باز کرد تا مزدوران مسلحی از قبیل نیروهای "حشد الشعبی" عراق را زیر لوای کمک‌رسانی به مناطق سیل‌زده وارد ایران کند. ورود این مزدوران تعلیم‌دیده زیر نظر لشکر قدس سپاه پاسداران که همگی کارنامه سیاهی از سرکوب خشن مردم دارند، بازی خطرناک جمهوری اسلامی است که می‌تواند با بالا گرفتن تنش در منطقه خاورمیانه پیامدهای بسیار ناگواری برای میهن ما به همراه داشته باشد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی‌ای که سرتاسر جامعه ما را فرا گرفته است بی‌شک رو به تعمیق است. تنش‌های بین‌المللی، از جمله تشدید تحریم‌های ضدانسانی اقتصادی، نفتی، و بانکی دولت ترامپ، خطر درگیری‌های نظامی مستقیم یا نیابتی با متحدان دولت ترامپ، از جمله با نیروهای نظامی دولت نژادپرست اسرائیل و حکومت ضد مردمی بن‌سلمان در عربستان سعودی و برخی از نیروهای ایرانی در این جبهه ضد منافع ملی ایران، کشور ما را در مجموع در وضعیت بسیار خطرناکی قرار داده است. راه نجات کشور از زنجیرهای استبداد و ستم سرمایه‌داران فقط از طریق مبارزه متحد و سازمان‌یافته همه نیروهای میهن‌دوست و آزادی‌خواه کشور و گردان‌های اجتماعی امکان‌پذیر است. هدف اصلی دولت ترامپ و نمایندگان انحصارهای نفتی و اسلحه‌سازی که مهار دولت او را در دست دارند، در کنار بن‌سلمان جنایتکار و نتانیاهوی نژادپرست، مقهور و رام کردن رژیم ولایتی یا جایگزین کردن آن با حکومت وابسته و ضد مردمی دیگری از نوع حکومت خشن و سرکوبگری مثل خلیفه‌گری حاکم بر عربستان سعودی است. بدیهی است که هیچ نیروی ملی و انسان‌دوستی نمی‌تواند مدافع دخالت خارجی در امور میهن ما برای تعیین سرنوشت و آینده کشور ما باشد. فقط خود مردم ایران حق دارند که در مورد سرنوشت کشور خود تصمیم بگیرند و اقدام کنند.

حزب توده ایران در طول نزدیک به هشت دهه حیات سیاسی‌اش همواره در کنار شما زنان و مردان زحمتکش، شما سازندگان واقعی زندگی و تاریخ، بوده است و همچنان خواهد بود. توده‌ای‌ها همواره در کنار طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان میهن با هدف دستیابی به حقوق پایمال شده آنها رزمیده‌اند و به این رزم افتخار می‌کنند. آینده میهن ما و رهایی از زنجیرهای استبداد و بی‌عدالتی فقط از راه مبارزه مشترک ما و به‌ویژه پیکار سازمان‌یافته طبقه کارگر و متحدان آن امکان‌پذیر است. «چاره زنجیران وحدت و تشکیلات است. «بیاید تا دست در دست هم با همه توان و امکانات در راه پایان دادن به ظلم و استبداد و بی‌عدالتی، و تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان و استقرار حکومتی ملی و مردمی بکشیم.

فرخنده باد ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی رزمجویانه کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران، و برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و طرد رژیم ولایت فقیه!
برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالان کارگری و صنفی از زندان‌ها بکشیم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۷ اردیبهشت ۱۳۹۸